
جامعه‌شناسی پس از پست مدرنیسم

دیوید اوئن

ترجمه محمد رضا مردی

www.ketab.ir



کتابخانه

عنوان و نام پدیدآور: جامعه‌شناسی پس از پست‌مدرنیسم / دیوید اوئن؛ ترجمه محمد باقر مرادی

مشخصات نشر: تهران: ماهریس، ۱۳۹۶.

مشخصات ظاهری: ۴۱۴ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۹۷۷۵-۰۰-۵

یادداشت: عنوان اصلی: Sociology after postmodernism, 1997

موضوع: جامعه‌شناسی، روش‌شناسی، فراتجدد

شناسه افزوده: اوئن، دیوید، ۱۹۳۸ - م.، ویراستار

شناسه افزوده: زمردی، محمدرضا، ۱۳۵۲ -، مترجم.

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۶ ج ۵۱۱/ HM

رده‌بندی دیویی: ۳۰۱/۰۱

شماره کتاب‌شناسی ملی: ۶۸۸۷۵۱۲



جامعه‌شناسی پس از پست‌مدرنیسم

دیوید اوئن

ترجمه محمد رضا زمردی

ناشر: انتشارات ماهریس

طراح جلد: محمد باقر جاوید؛ صفحه‌آرا: احمد جاوید

لیتوگرافی: گنجینه مینیاتور

چاپ متن: معرفت، صحافی: رثوف

چاپ اول: ۱۳۹۷، شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۳۸۰۰۰ تومان

دفتر انتشارات

میدان انقلاب، خیابان کارگر جنوبی، تقاطع لبافی‌نژاد، شماره ۲۶۶، واحد ۵

تلفن: ۰۲۱۶۶۴۸۲۱۵۰

www.nashremahris.com

@nashremahris



@ketabfarhang



عنوان کتاب ترجمه‌ای است از:
Sociology After Postmodernism,
David Owen (ed.),
SAGE Publications, 1997.

فهرست

مقدمه

- ۹ چالش پست مدرن با جامعه‌شناسی
دیوید اوزن

طبقه

- ۴۵ ۱ نابرابری پس از طبقه
مالکیم واترز

جنسیت

- ۷۱ ۲ فمینیسم، پست مدرنیسم و جامعه‌شناسی جنسیت
سمنتا آشنیدن

نژاد و قومیت

- ۱۰۹ ۳ نژادپرستی و پست مدرنیسم: به سوی نظریه کنش
پال کانلی

جرم‌شناسی و انحرافات

- ۱۳۱ ۴ جرم‌شناسی مدرن اخیر: «اخیرا» به مثابه «مردن» یا
«مدرن» به مثابه «جدید»؟
نایجل ساوث

حقوق

۵ حقوق، سیاست و علوم اجتماعی ۱۶۵

آلن هانت

علم و فناوری

۶ جامعه‌شناسی علم و فناوری پس از نسبی‌گرایی ۱۹۷

رالف شرودر

فرهنگ و رسانه

۷ نظریه اجتماعی و مطالعات فرهنگی ۲۱۷

داگلاس کلتر

امور جنسی

۸ بررسی جنسی پس از «امور جنسی»: از دانش امور جنسی ۲۴۹

به پساداخته‌گرایی

آرلین استاینز

عواطف و تأثرات

۹ پیکرشناسی: جامعه‌شناسی و عواطف ۲۷۱

شون واتسن و پیتر جوئرز

پزشکی و بدن

۱۰ فراموشی بدن: نکاتی درباره جسمانیت ۲۹۷

تامس آزیبورن

تاریخ و سیاست

۱۱ جامعه‌شناسی پس از جامعه ۳۲۳

میچل دین

۳۶۱ کتاب‌شناسی

۳۹۷ نمایه

مقدمه



چالش پست مدرن با جامعه‌شناسی

دیوید اوئن^۱

این کتاب، متن خردمآنی نیست و قصد اعلام مرگ جامعه‌شناسی را نیز ندارد. در عوض، هروری جمالی است به تحولات جاری در جامعه‌شناسی و حوزه‌های اصلی آن در پرتو چالش «پست مدرن» با جامعه‌شناسی معاصر. پرسش مطرح‌شده با مؤلفان این مجموعه، با در نظر گرفتن زمینه‌های خاص علایق آن‌ها، این بوده است که چگونه به چالش «پست مدرن»، به چه شیوه‌هایی می‌توان عمل جامعه‌شناسی را به بهترین نحو تداوم بخشید؟ لذا، هر بخش این اثر را می‌توان به مثابه گفت‌وگویی در یک مباحثه در نظر گرفت، بحث‌هایی که درخصوص ویژگی جامعه‌شناسی انیشتین و سو و ماهیت چالش پست مدرن با جامعه‌شناسی از سوی دیگر، همدیگر را قطع می‌کنند، گاهی درهم پیچیده و حتی درهم می‌آمیزند. گفت‌وگوهای این حوزه موجب تکثیر مواضع در گفتمان جامعه‌شناسی معاصر می‌شود؛ از این رو، مبحث حاضر نیز استثنایی بر این وضعیت نیست. به هر روی، همین بحث و جدلهای مستند که میدان اساسی را برای تأمل بر وضعیت این رشته علمی فراهم می‌کنند. در اثر پیش رو، مقدمه حاضر دو وظیفه برعهده دارد: نخست، در صدد آن

است که فاصله‌ای تأملی را از مجادله‌ای دائمی که در خصوص ویژگی جامعه‌شناسی و چالش پست‌مدرن با جامعه‌شناسی در گرفته، مقدور سازد. این اقدام، از رهگذر ارائه تأملات تاریخی و نظری مختصر دربارهٔ پیدایش و تکوین جامعه‌شناسی و رابطه آن با درون‌مایه‌های امر اجتماعی و امر مدرن، صورت می‌پذیرد. دیگر، این مقدمه می‌کوشد از این فاصلهٔ تأملی در شناسایی استنباط‌های گوناگون از چالش پست‌مدرن با جامعه‌شناسی که در گفتمان جامعه‌شناسی معاصر شکل گرفته، به گونه‌ای مؤثر استفاده کند؛ به‌ویژه استدلال‌هایی که در مقالات کتاب حاضر دربارهٔ آینده جامعه‌شناسی مطرح شده‌اند. خوانندگانی که به خوبی از وضعیت تاریخی پیدایش جامعه‌شناسی مطلع هستند یا با ریشه‌های آن ندارند، شاید تمایل داشته باشند که به بخش دوم مراجعه کنند که سر به ورهٔ معاصر مربوط می‌شود.

جامعه‌شناسی، امر اجتماعی و امر مدرن

شرایط تاریخی تحقق جامعه‌شناسی به خوان کسب و کاری فکری را می‌توان تا زمان مفهوم‌پردازی مجدد از جامعه‌شناسی یابی کرد. این تحولی که همراه با تکوین نظریهٔ مدرن دولت در اندیشهٔ سیاسی اروپایی در اواخر قرن هفدهم و قرن هجدهم پدیدار شد منجر به فرسودگی امر سیاسی گردید. گفتنی است، «مفهوم مهمی که در برابر امر سیاسی به آن رخنه گزاشته شد 'جامعه' بود» (Wolin, 1960: 290). خطوطی را که به شکل گیرندهٔ مدرن از جامعه — به دو معنای عام و انتزاعی — انجامیده‌اند می‌توان در سوء و سعی از معضلات درهم‌تنیده پی گرفت که در اندیشهٔ قرن هفدهم و هجدهم اهمیت محوری داشته‌اند. معنای کلی جامعه، به «مجموع پیوندها و مناسبات میان فرد و رویدادها — اعم از اقتصادی، اخلاقی و سیاسی — ناظر است که درون قلمرویی کمابیش محصور با قوانین خود اداره می‌شود» (Rose, 1996: 1)؛ و معنای انتزاعی این امر، به شرایطی اشاره دارد که چنین پیوندها و مناسباتی را می‌پروراند. اما از معضلات پیش گفته می‌توان به این دو مورد مهم زیر اشاره کرد:

۱. رابطه دولت و جامعه در گفتمان‌های اخلاقی، سیاسی و اقتصادی حاکم؛
۲. رابطه میان ایده‌های وحدت و تنوع بشریت، و شکل‌گیری مفاهیم مدرن تاریخی و پیشرفت تاریخی در متن و زمینه نزاع میان کلاسیک‌ها و مدرن‌ها - و در بستر رابطه استعماری اروپا با غیراروپایی.

در این بخش، در خصوص هر دوی این معضلات مرتبط با هم ملاحظات منحصراً بیان خواهم کرد. البته پیش از این کار تأثیر معضلات بر شکل‌گیری جامعه‌شناسی و رابطه میان جامعه‌شناسی و مضامین امر اجتماعی و امر مدرن را ترسیم می‌کنیم.

رابطه دولت و جامعه

دولت، به معنای مدرن، در میان قرن شانزدهم در اروپا پدیدار شد. این نمونه اولیه جرقه طرح این موضوع بود که بنیان‌هایی را برای تکوین نظریه مدرن درباره دولت در قرون هفدهم فراهم فراهم کرد (Skinner, 1978). نظریه نخستین دولت را در فهم روشنفکران سیاست^۱ نوشته یوهانس آلتوسیوس^۲ (۱۶۰۳، نسخه تکمیلی ۱۶۱۰) رابطه میان سیاست و جامعه برحسب برداشتی از سیاست می‌بینیم. برداشتی که طبق آن سیاست عبارت است از «هنر متحد ساختن انسان‌ها؛ با هدف استقرار، پرورش، و حفظ «ایات» اجتماعی میان آنان» (Althusius, 1990: 27). در اینجا «اجتماعی» ناظرست بر «دولت» و به موجب آن، مرتبط است با جامعه به معنای اصلی؛ یعنی همراهی و معاشرت. همان‌طور که ذکر است «اجتماعی» در معنای نوظهور جامعه به مثابه اشتراک منافع^۳، دانشی بشر به عنوان موجودی اجتماعی/معاشرتی، نیز پیوند دارد. بنابراین «بدیهی است که

1. *Politica Methodice Digesta*

2. Johannes Althusius

3. commonwealth

مردم یا جامعه مدنی، طبیعتاً وجود دارد و انسان فطرتاً حیوانی مدنی است که مشتاقانه برای ارتباط تلاش می‌کند» (Althusius, 1990: 30). این آمیزه معانی کلی و خاص از جامعه (فی‌المثل ارتباط بین «منزلت» و «رده»)، با آمیزه‌ای از معانی کلی و خاص از «دولت» پیوند دارد. آنچه برای پیدایش معنای کلی و انتزاعی مدرن از جامعه، که مقدم بر تکوین جامعه‌شناسی بوده، اهمیتی ناچیز داشت، عبارت است از تفکیک تدریجی معانی درآمیخته مزبور و شکل‌گیری تمایز میان دولت و جامعه مدنی. به عبارتی دیگر، جامعه «هسته‌ای متمایز از نرت‌ات سیاسی است و نمادی اختصاری برای تمام فعالیت‌های ارزشمند بشری محسوب می‌شود» (Wolin, 1960: 291). این همان محل تلاقی است که ولین، تأثیر عمده اندیشه سیاسی لاک^۱ را شناسایی می‌کند:

به جای پدید آمدن سؤال سنتی که: برای حفظ انسجام جامعه، چه نوع نظم سیاسی مورد نیاز است؟ لاک پرسش را جرحانده می‌پرسد، چه نوع نظم اجتماعی، بقای حکومت را تضمین می‌کند؟ (Wolin, 1960: 308)

با معرفی «برداشتی از جامعه به مثابه سنتی خودنارسا که قادر به آفریدن اراده‌ای عمومی است» (Ibid) و شناسایی مالکیت چنان یک نهاد اجتماعی پیشاسیاسی (Ibid: 309-11) — که این هر دو نکته اساسی و سواً اقتباس کرد — لاک طرح اولیه تقابل دولت و جامعه مدنی را مطرح کرد. این تقابل، بستری مناسب را برای شکل‌گیری حملات روشنگری فرانسوی و انقلابات بلندی به همسانی خرد دولت و خرد حکومت می‌سازد. به عبارتی، مشخصه پیوند خرد دولت و سیاست در مطلق‌گرایی اروپایی (Dean, Chopter 11) — جریانی که تام پین^۲ و ویلیام گادوین^۳ به تندی گرایید و بر تکوین معانی عام و انتزاعی از جامعه تأثیری قطعی داشت.

1. John Locke

2. Jean-Jacques Rousseau

3. Tom Paine

4. William Godwin

به منظور نشان دادن اهمیت روشنگری فرانسوی و اسکاتلندی در متن و زمینه آنها، ذکر شماری از وجوه مشخصه خرد دولت و خرد حکومت حملات روشن‌اندیشان مزبور به سوی آنها جهت‌گیری شده است. مواردی که آموزه‌های خرد دولت و تدابیر آن، جنبه‌هایی از یک خط سیر خاص درون برنامه تدارک دیدن نظریه‌ای درباره دولت مدرن محسوب می‌شود که از پایان قرن شانزدهم تا پایان قرن هجدهم در جریان بوده است (Foucault, 1998). آموزه خرد دولت با «عقلانیتی که مختص هنر اداره دولت‌ها بود» اختصاص داشت (Foucault, 1988: 75) و هدف آن هم تقویت دولت بود. در این متن و زمینه، اداره دولت — که از جامعه به معنی کلی قابل تمیز نیست — مستلزم ساخت عوامل و اموری است که دولت را می‌سازند و نیز مستلزم مداخله در آنهاست. آموزه خرد دولت در شکل کامرالیست^۱ آلمانی یا صورت مرکانیلیست^۲ انگلیس و فرانسوی‌اش با توسعه آمار یا حساب سیاسی و پولیزویزنشافت^۳ (علم اداره سیاسی) در پیوند است که در قرن هجدهم به منظور ترسیم موضوع «دولت — حکومت به مثابه «جمعیت» — مطرح شد. اصطلاح خرد دولت از کاربرد رایج (عامیانه) در قرن شانزدهم به اصطلاحی قانونی و سیاسی مبدل گشت که بر (تعلق داشتن به مردم) (Williams, 1976: 236) دلالت می‌کرد. این اصطلاح، در این متن و زمینه به عنوان کلیت افرادی که عناصر زنده دولت هستند به کار گرفته شد. تمرکز آموزنده تدبیر بر نظریه مطلق‌گرایی دولت به هم است بر همسانی دولت و جامعه که در آن تصور تعین تفصیلی و کامل به عناصر و سازوکارهای (آن) با نظارت قدرتمند این عناصر و سازوکارها ترکیب می‌شود. در واکنش و تقابل با چنین پیشینه‌ای است که سهم فیزیوکرات‌های فرانسوی و لیبرال‌های اسکاتلندی در طرح مفهوم مدرن جامعه را درک می‌توان کرد. متفکران لیبرال قرن هجدهم از لحاظ دل‌مشغولی با امنیت خارجی دولت با

1. cameralist

2. mercantilist

3. polizeiwissenschaft

نظریه پردازان مطلق گرا سهم هستند. از این رو درون نشئت گرفته از روشنگری فرانسوی و اسکاتلندی عبارت‌اند از، نخست، اعلام فیزیوکرات‌ها مبنی بر شعبه طبیعی بودن خصلت جامعه و، دیگر، موضع لیبرال‌های اسکاتلندی، برخلاف فیزیوکرات‌ها، مبنی بر ابهام و پیچیدگی کلیت تعاملاتی که فرایندهای طبیعی خودتنظیم جامعه را می‌سازند. مورد نخست «قابلیت شهریار در هدایت امور ارادی را تحدید می‌کند» درحالی‌که دومی «از شهریار چه در شناخت امور چه در هدایت آنها سلب صلاحیت می‌کند» (Burchell, 1991: 134). روشنگری اسکاتلندی بر روابط طبیعی پیچیده اقتصاد (اسمیت^۱)، جمعیت (مالئیس^۲) و جامعه مدنی (فرگوسن^۳) به منزله محصولات کم‌ویش خودانگیخته و نسبتاً مبهم و پیچیده جامعه تاکید می‌کند، به عبارتی معنایی انتزاعی از وضعیت طبیعی وجود بشر که نهادها (همچون دولت) و روابط را می‌پروراند. روشنگری اسکاتلندی علاقه به امنیت را به متوجه حفظ جامعه به منزله افراد آزادی است که سوژه‌های منافع میل، عقاید و احساسات هستند — با هم نشینی نوظهور حق حکومت و معرفتی در هر می‌آورد، حکمت نیک را امکان‌پذیر می‌سازد. این روشنگری به برخورداری از همان ضروری تأکید دارد — و بدین ترتیب مستلزم تولید شکل‌هایی از معرفت (و تخصص) است که قادر به تعیین محل و موقع صحیح مداخله است. اگر تأمل کنیم که روشنگری اسکاتلندی، قرن هجدهم را با تدوین دو ایده به پایان می‌رساند، اهمیت این نکته آشکار می‌شود. ایده کلی جامعه، به منزله نظام حیات عمومی که به واسطه نهادها آداب و روابط مشخص می‌شود. در مقابل، ایده انتزاعی جامعه به مثابه وضع طبیعی که نهادها (از جمله دولت)، آداب و روابط را می‌پروراند و مفهوم مدرن از جامعه را شکل می‌دهد. متفکران این نحله بر اساس این ملاحظات جامعه را موضوع دانش تعیین می‌کنند و ضرورت چنین دانشی را نشان می‌دهند. بدین ترتیب، با آغاز قرن نوزدهم، مفهوم جامعه به خوبی به عنوان اُبژه‌ای طرح می‌شود که چنین

1. Adam Smith
3. Adam Ferguson

2. Thomas Robert Malthus

شکل‌بندی‌هایی را به عنوان مصلح اجتماعی مقدور می‌سازد» و «رابطه میان انسان و جامعه یا فرد و جامعه را تعریف می‌کند» (Williams, 1976: 294).

کلاسیک‌ها و مدرن‌ها

یکی دیگر از مجموعه مباحثی که در اندیشه قرن نوزدهم اهمیتی عمده دارد به همراه بحث و جدل درباره حکومت، حول محور مضامینی چون سرشت انسان و ایده تاریخ بشر می‌چرخد. نخستین جنبه این مبحث با رشته‌ای تحولات مدرنی در اصطلاحات «بشر» و «بشریت» مشخص می‌شود که در اوایل قرن نوزدهم با دو بار معنایی پدیدار شد. نخست، برقراری تمایزی میان «بشر» به منزله مجموعه‌ای از ویژگی‌ها و «بشر» به مثابه اصطلاحی کلی، و دوم، ظهور معنای «بشریت» که اشاره‌ای بی‌طرفانه و توصیفی به خصوصیت‌های بشری دارد (Williams, 1976: 48-9). دومین جنبه ناظرست به تغییر مفهوم «تاریخ» که با ظهور معنایی از تاریخ به مثابه خودبالندگی بشر در اوایل قرن هجدهم به معنایی کلی از تاریخ منتهی می‌شود و برنامه تاریخ جهان‌شمول را آشکار می‌سازد. در پایان نیز تغییر مفهوم «بشر» به معنایی انتزاعی از تاریخ (به عنوان مثال هگل) به فرآیندی می‌رسد که خود بالندگی بشریت ذات‌گشایی می‌کند. اهمیت این تحولات مفهومی برای دانش‌مغفولی‌های ما با مسئله قرن هجدهمی وفق دادن وحدت و کثرت بشریت در متن و زمینه‌های جدال میان کلاسیک‌ها و مدرن‌ها مرتبط است: رابطه اروپا با افراد «بومی» قاره‌های استعماریش و رابطه این مسئله با دگرگونی مفهوم تاریخ.

جدال میان کلاسیک‌ها و مدرن‌ها در قرن هفدهم را می‌توان به منزله واکنشی علیه نوزایی و «اقتدار مردگان» درک کرد که علیه آموزه انحطاط و نرسدن یکسان در خصوص انسان و طبیعت به کار می‌رفت (Bury, 1920). در حالی که تا سونی^۱ در ایتالیا، بواس‌روبر^۲ در فرانسه و هیکویل^۳ در انگلستان، پیش از انتشار گفتار در

1. Alessandro Tassoni

2. François le Métel de Boisrobert

3. George Hakewill

روشن^۱ (۱۶۳۷) دکارت^۲ به مباحث مردن اشتغال داشتند. بی‌تردید نفوذ اندیشه دکارتی، در کنار تأثیر بسیار بودن^۳ و بیکن^۴، نقشی برعهده در تکوین این مناقشه ایفا کرده است در این جریان، توجه به شخصیت‌هایی چون پرولت^۵ (*Paralleles des Anciens et des Modernes, 1688-1696*)، گنویل^۶ (*Plus Ultra, 1668*) و فونته‌نل^۷ (*Dialogues of the Dead, 1683* و *Digression on the Ancients and Moderns, 1688*). از میان این سه متفکر، فونته‌نل مهم‌ترین است، چراکه موضعش را بر پابندی دکارتی به تغییرناپذیری قوانین طبیعت استوار می‌کند تا به نفع برای طبیعتی انسان کهن و انسان مدرن استدلال کند براساس این، او مدعی است که تفاوت‌های وجود را می‌توان از یک سوانشی از زمان دانست و از دیگر سو محصل نه‌انای سیاسی و اوضاع کلی امور (Bock, 1978; Bury, 1920) به حساب آورد. به نظر او، به لحاظ دانش، این استدلال، ایده پیشرفت فکری مداوم بشریت را تقویت می‌کند. با وجود این موارد، ایده پیشرفت دائمی و گریزناپذیر بشر در کانون این مباحث قرار نمی‌گیرد، بلکه در نیمه دوم قرن هجدهم ایده مزبور به‌طور کامل تدوین می‌شود.

درحالی‌که تمرکز مناقشه قرن سده بر استقرار برابری طبیعتی کلاسیک‌ها و مدرن‌ها مستلزم تکوین ایده‌ی شباهت ذاتی بشریت در گستره زمان و مکان بوده است. این امر، مستلزم چرخش مفهومی در اصطلاحات «بشر» و «بشریت» می‌باشد که در قرن هفدهم چونان بخشی از ایده‌ی کلی وحدت طبیعت اختیار می‌شود. در این میان، بازشدن فضا برای لحاظ کردن تنوع بشریت در گستره زمان و مکان برای دو تحول مرتبط قرن هجدهم بسیار اهمیت دارد. از یک‌سو، پیدایش ایده‌ی انسان به مثابه حیوانی اجتماعی به معنایی نسبتاً کلی و انتزاعی. از سوی دیگر، ظهور برداشت مدرن از تاریخ و ایده‌ی تاریخ جهان. تحول که سرانجام فهمی از انسان به منزله موجودی تاریخی را می‌پروراند.

1. *Discourse on Method*

2. René Descartes

3. Jean Bodin

4. Francis Bacon

5. Charles Perrault

6. Joseph Glanvill

7. Bernard Le Bovier de Fontenelle